یادداشت روز

«گابو» همین‌جاست

سیامک گلشیری
مترجم و نویسنده

● گابریل گارسیامارکز در جایی گفته است: «یک خط از آثار من نیست که ریشه در واقعیت نداشته باشد.» و این بدون تردید سرلوحه آثار گارسیامارکز است. نویسنده‌ای که باوجود حوادث خیالی بسیار در آثارش، خود را همواره رئالیست می‌دانسته است. او در طول زندگی‌اش شاهد فجایع بسیاری در سرزمین مادری‌اش و کشورهای اطراف آن بوده؛ فجایعی همچون قتل‌عام، آدم‌ربایی و نیز نظاره‌گر سردمدارانی بوده که تنها با آدمکشی و غارتِ سرزمینشان، بقای خود و حکومتشان را تضمین می‌کرده‌اند؛ فجایعی که به‌حدی مهیب بوده‌اند که شاید جز با عنصر خیال نمی‌توانسته به سراغشان برود. او با دیدن حکومت فاسد فرانکو در اسپانیا، به فکر نوشتن خزان پدرسالار می‌افتد و زندگی دیکتاتورِ تنهایی را به تصویر می‌کشد که حتی از قتل نزدیکان خود دریغ نمی‌کند. تحت‌تاثیر حکومت خودکامه آگوستو پینوشه، رمان ماجرای اقامت پنهانی میگل لیتین در شیلی را منتشر می‌کند؛ داستان کارگردانی تبعیدی که مخفیانه به کشورش بازمی‌گردد، که البته پس از انتشار آن، سردمداران حکومت شیلی دستور می‌دهند ۱۵هزار نسخه از آن رمان را به آتش بکشند. گارسیامارکز با وجود آنکه در جایی می‌گوید روشنفکر با دیدن افراد ناپدید شده و همین‌طور فقر و جهل در سرزمینش، ناچارا به سیاست روی می‌آورد، اما او تنها به سیاست اکتفا نمی‌کند. به گمان من صدسال تنهایی و بسیاری از صحنه‌های رمان‌هایش و به‌ویژه داستان‌های کوتاهش مملو از اتفاقاتی است که در زمان حیات او اتفاق افتاده و نیز در آنها آدم‌هایی به تصویر کشیده شده‌اند که او در واقعیت با آنها مواجه بوده است. رمان «گزارش یک قتل از پیش اعلام‌شده» داستان مرد ثروتمندی به نام بایارد را به تصویر می‌کشد که در روستای کوچکی با دختر زیبایی ازدواج می‌کند و شب عروسی پی می‌برد که دختر قبلا با کس دیگری بوده. همان شب دختر را بر اساس رسمی که بوده، به خانه پدر و مادرش برمی‌گرداند و سپس برادران دختر، سانتیاگو ناصر، پسری را که با دختر بوده، به قتل می‌رسانند و همه‌چیز پایان می‌پذیرد، حتی عشقی که یک‌شبه شکل گرفته بود و شاید می‌توانست تا آخر عمر به درازا بکشد.

گارسیامارکز درباره عنصر خیال در آثارش می‌گوید: «وقتی بگویید فیل‌ها در آسمان پرواز می‌کنند، هیچ‌کس آن را باور نخواهد کرد. اما وقتی بگویید چهارصدوپنجاه‌وسه فیل در حال پرواز در آسمانند، مردم باور خواهند کرد.» و این درواقع اساس کار او در خلق موقعیت‌هایی است که سراسر خیال‌انگیز هستند. شاید هم همین موضوع باعث شده تا او در قتل‌عام کارگران کشتزار موز که در زمان کودکی‌اش رخ داده، اغراق کند، تا جایی که تعداد آنها را در رمان بزرگ صدسال تنهایی به سه‌هزارنفر می‌رساند و به این ترتیب با قاطعیت می‌گوید: «مردم دیر یا زود به‌جای گفته حکومت، سخن نویسنده را باور خواهند کرد.» او با این کار به‌طور قطع در پی دروغ‌گفتن نیست، بلکه قصد دارد این موضوع را روشن کند که قتل‌عام چه ۳۰نفر باشد و چه ۳۰۰نفر و چه سه‌هزارنفر، بدون شک چیزی جز عملی وحشیانه نیست. شنیدم که جسد گابو را در مراسمی خصوصی سوزانده‌اند. اما این دروغ است. گابو همین‌جاست. جایی در کتابخانه من جا خوش کرده. در کتابخانه همه ما، برای ابد.

زیر آسمان فیروزه ای

گردهمایی بزرگان معماری و هنر برپا می‌شود

نادر اردلان و راسم بدران در راه تهران

● **شرق:** کنفرانس بین‌المللی معماری پایدار در حالی روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت‌ماه جاری در تهران برپا می‌شود که شماری از استادان بنام معماری و هنر در این کنفرانس سخنرانی خواهند کرد. این کنفرانس به همت مجله معماری و ساختمان و با همکاری شماری از نهادهای فرهنگی با تاکید بر معیارهای فرهنگ، تاریخ، هویت و میراث برگزار می‌شود. قرار است در این کنفرانس نادر اردلان، معمار و محقق دانشگاه هاروارد، راسم بدران، متخصص در معماری اسلامی اردن، آیدین آغداشلو، نقاش و هنرمند مطرح ایرانی در سطح بین‌الملل، بهرام شیردل، معمار با سوابق آموزشی و طراحی معماری در سطح بین‌المللی، فریار جواهریان، معمار محقق و مولف کتاب نام ایرانی، با طرح مباحثی موضوعی با عنوان گفت‌وگوی اندیشه‌ها به مبحث معماری پایدار خواهند پرداخت. در کنار هنرمندان و معماران آشنای مقیم داخل، حضور نادر اردلان در این کنفرانس به‌همراه راسم بدران حایزاهمیت است. اردلان معمار پرکار و محققی تواناست که در ایران متولد شد و در سن هفت‌سالگی همراه خانواده‌اش به ایالات‌متحده آمریکا سفر کرد. او ۱۸سال از زندگی‌اش را به تحصیل در آمریکا گذراند و در سال ۱۹۶۴ به ایران بازگشت. در سال ۱۹۷۰ اولین کنگره بین‌المللی معماران را در اصفهان با کمک چندنفر از دوستانش در حرفه معماری و همکاری وزارت مسکن و شهرسازی ایران برپا کرد. او شاگرد لویی کان بوده و با رومن گیرشمن، باستان‌شناس بزرگ فرانسوی همکاری داشته است. علاقه‌مندان برای شرکت در این کنفرانس با ثبت‌نام از طریق سایت www.memary.net می‌توانند در آن شرکت کنند.

واکنش کمال تبریزی به خبر پخش «سرزمین کهن» پس از اصلاحات:

نیازمند همدلی و حمایت هستیم

فرانک آرتا

پخش سریال «سرزمین کهن» و ممانعت از پخش آن از سیمای جمهوری‌اسلامی ایران، تاکنون چالش‌هایی میان مردم، جامعه هنری و به‌خصوص دست‌اندرکاران آن به‌وجود آورده است. مخاطبان و به خصوص کارگردان «سرزمین کهن» پرسش‌هایی پیش‌رویشان است که هنوز مسوولان تلویزیون به آن پاسخی نداده‌اند. با این حال علی دارابی، معاون سیما شامگاه دوشنبه در حاشیه تقدیر از برترین‌های نوروز ۹۳ در جمع خبرنگاران درباره سرنوشت این سریال گفت: «جلساتی با تیم سازنده سریال «سرزمین کهن» داشتیم تا اصلاحاتی که لازم است روی آن انجام شود. ضمن اینکه فاز یک مجموعه آماده است و فاز دو هم باید نهایی شود تا بعد از اینکه فیلمنامه در فاز دو نهایی و تصویب شد به سراغ تصویربرداری فاز سوم بروند ولی اینکه این مجموعه چه زمان به پخش خواهد رسید، بستگی به این دارد که گروه چه زمانی اصلاحات انجام‌شده را روی کارشان انجام دهند. این در حالی است که من درخواست کرده‌ام شبکه سه سیما گزارشی از روند اصلاحات «سرزمین کهن» ارایه دهد ولی به‌دلیل اینکه آقای تبریزی درگیر یک فیلم سینمایی در کرمان بودند، فعلا همچنان منتظر گزارش هستم.» «شرق» در این‌باره گفت‌وگوی کوتاهی با کمال تبریزی کرده است.

نظرتان درباره اظهارنظر آقای دارابی درباره سریال «سرزمین کهن» چیست؟

به‌نظرم در صورتی پخش آن امکان دارد که تلویزیون هرچه سریع‌تر شرایط تسویه حساب کامل با همه عوامل پروژه را فراهم کند زیرا تقریبا همه عوامل نامید از ادامه سریال سراغ کارهای دیگر رفته‌اند!

گفته شده ادامه تصویربرداری سریال صورت گرفته است. این خبر صحت دارد؟ اصلا در این مورد با شما صحبتی شده؟

به هیچ‌وجه؛ حدود یک‌ماه‌واندی از فیلمبرداری فاز دو و مدت یک‌سال‌ونیم از فیلمبرداری فاز سوم به‌طور کامل باقی‌مانده‌است!

آقای دارابی گفتند برای پخش مجدد سریال جلساتی با تیم سازنده داشتیم تا اصلاحاتی صورت بگیرد و پخش آن منوط به زمان اعمال اصلاحات برمی‌گردد. آیا این گفته را تایید می‌کنید؟

درست است ولی باید گفت که زمان پخش مجدد منوط به تسویه کامل با عوامل است!

طبق اظهارنظرشان معاونت سیما از شبکه سوم درخواست کرده تا گزارشی از روند اصلاحات دریافت کند ولی به دلیل اینکه شما در کرمان هستید منتظر شماهستند؟

نه، این امر ارتباطی به من ندارد. همان‌طور که گفتم مشکل اصلی عدم‌حمایت مالی سازمان از پروژه است.

به‌طورکلی نظر شما درباره اظهارنظرهای اخیر آقای دارابی چیست؟

من هنوز متن اظهارنظر ایشان را ندیده‌ام ولی راه‌اندازی مجدد سریال نیاز به همدلی و حمایت دارد که متاسفانه این مهم اتفاق نیفتاده است!

روایت داریوش طلایی از بازگشت به صحنه

بازار، دیکته می‌کند

مرجان صائبی:داریوش طلایی را می‌توان از تاثیرگذارترین هنرمندان موسیقی کلاسیک ایرانی دانست. او که مستقیما مکتب سرچشمه‌های این هنر مانند استادان علی‌اکبر شهنازی، سعید هرمزی، یوسف فروتن، نورعلی برومند و عبدالله دوامی را به‌خوبی درک کرده با نگاهی علمی به این موسیقی و با ممارست در بخش عملی از یک‌سو با آثاری چون کتاب‌های «نگرشی نو به تئوری موسیقی ایران» و «ردیف میرزا عبدالله» با نت‌نویسی آموزشی و تحلیلی تحولی، جدید را در مباحث تئوریک موسیقی ایرانی و ردیف به وجود آورده و از سوی دیگر با انتشار آلبوم‌هایی درخور در نوازندگی تار و سه‌تار، مکتب نوازندگی خود را که در عین نوبودن ریشه در فرهنگ عمیق و کهن این مرزوبوم دارد به مردم کشورش و جهانیان ارایه کرده است. طلایی باوجود توانایی‌هایش که بر هیچ فردی از اهالی موسیقی پوشیده نیست همواره سعی کرده از حاشیه‌ها به دور بماند و تنها به موسیقی ناب بپردازد، شاید همین دغدغه‌ها بود که در کنار شرایط جامعه او را برای مدتی نزدیک به ۱۲سال از صحنه‌های اجرای کشورش به دور نگاه داشت. اما بالاخره این سد شکست و این موسیقیدان جمعه گذشته در شیراز به روی صحنه رفت و قرار است ساعت ۲۱ در روزهای چهارم و پنجم اردیبهشت در تالار وحدت تهران برای مشتاقان موسیقی ناب ایرانی به اجرا بپردازد، آن هم در حوزه تخصص اصلی خود یعنی بداهه‌نوازی و با یکی از تنبک‌نوازان باسابقه و نامی کشورمان یعنی مجید خلج.

محمد موبدی،شرق

سال‌های زیادی است که در ایران کنسرت نداشتید و یکی از دلایلی که عنوان کرده بودید، فضای نامناسب بود. دقیقا منظورتان را بیان می‌کنید؟

موسیقی‌های مختلفی در دنیا وجود دارد، اعم از جاز، پاپ و غیره که هرکدام زیرمجموعه‌های زیادی هم دارند ولی در عین حال موسیقی‌ای هم به‌عنوان موسیقی کلاسیک وجود دارد. موسیقی کلاسیک اروپایی و غربی که شناخته شده است یا به‌طور مثال موسیقی کلاسیک کشور هند با هزاران سال پیشینه و تقدس موسیقی. در هند جایی مثل بالیوود با آن همه خواننده و نوازنده هم وجود دارد، اما موسیقی کلاسیکشان که «راگا» است، با یک ساز نواخته می‌شود یا معمولا با همراهی یک ساز ضربی مثل تابلا و هنرمندانی مثل «راوی شانکار» و «بسم‌الله خان» نماد آن هستند. استادانی که فرهنگ هزارساله‌ای را به دوش کشیده‌اند و دنیا هم آنها را به رسمیت می‌شناسد. موسیقی کلاسیک ما هم موسیقی دستگاهی ماست که متاسفانه در حال حاضر آخرین استادان بزرگ آن مثل حسن کسایی و جلیل شهناز هم فوت کرده‌اند. مشکل ما این است که موسیقی کلاسیک ما در کشور خودش درست شناخته نشده و قابل تشخیص نیست و اگر بزرگ‌ترین استادان هم اجرا داشته باشند دوست داریم در اجراهایشان خود را با سلیقه غالب روز منطبق کرده و روی ساز آکروبات بازی کنند تا مثلا به‌روز و نوآور باشند؛ فضای موسیقی ما به‌خاطر برداشت‌های اشتباه اجتماعی است که نامناسب است. امروزه موسیقی ما هرچه بیشتر به سمت فضای بازاری می‌رود و برای بازار هم باید شهرت داشت و این روزها برای شهرت باید از فرم اصلی موسیقی کلاسیک خارج شد. این روند سال‌هاست که ادامه دارد اما امروز من به این نتیجه رسیده‌ام که نمی‌توانم منتظر بمانم تا فضا به خودی خود کاملا مناسب شود و باید شروع کنم به اجرا و فعالیت.

خیلی کم با خوانندگان همکاری داشتید، این به‌خاطر نوع موسیقی‌ای بوده که کار کرده‌اید؟

ضدیتی ندارم که با خواننده کار کنم، ولی اتفاقا موسیقی‌های کلاسیک دنیا هم در پایه مبتنی بر موسیقی‌سازی است و در واقع این ساز است که به خواننده ساختار می‌دهد. نمی‌خواهم خیلی وارد بحث خواننده در موسیقی بشوم ولی در اکثر مواقع این به همان بخش پاپ و مردم‌پسند موسیقی مربوط می‌شود. بزرگ‌ترین موسیقیدان‌های تاثیرگذار کلاسیک دنیا همه نوازنده بوده‌اند. مثلا کدام آهنگساز، خواننده بوده!

وقتی باخ موسیقی غرب را تعدیل می‌کند، بر اساس آن تحول و دنیایی جدید در موسیقی به وجود می‌آورد و حال اگر در این سیستم آواز هم وارد شده بنا بر چارچوب و ساختاری بوده که باخ آهنگساز و نوازنده ابداع کرده. در موسیقی مقامی هم همین‌طور است. البته موسیقی مقامی به معنی موسیقی محلی ایران را نمی‌گویم، منظور مقامی است که در دنیای موسیقی ایران، عرب و ترک وجود دارد. اگر خواننده‌ها مقام می‌خوانند و مقام‌گردی می‌کنند درواقع مسیرهایی است که بر اساس ساز عود و تنبور هموار و ساخته شده. به همان شکل در موسیقی دستگاهی به وسیله تار و سه‌تار این اتفاق می‌افتد: پرده‌بندی‌ها، روابط و مُدگردی‌ها که دنیایی از علم و تکنیک و امکانات موسیقی است و در اختیار ساز است و این مهم‌ترین خصوصیت موسیقی کلاسیک ماست. ما فکر می‌کنیم اگر خواننده نباشد موسیقی ناقص است درحالی که در موسیقی‌های کلاسیک جهان کسی توقع ندارد حتما خواننده در موسیقی حضور داشته باشد.

این کنسرت آیا همان کنسرت سایه روشن است که سال ۷۵ در هلند برگزار کردید، اما چطور ذکر شده که بداهه‌نوازی است؟

در مورد بداهه‌نوازی دیدگاه اشتباهی در جامعه ما به وجود آمده است. بداهه‌نوازی اتفاق جدیدی نیست و جزیی از ذات موسیقی کلاسیک ماست. حتی از آنجا که موسیقی کلاسیک ما ذاتا بر بداهه استوار است، استادان و قدما از واژه بداهه‌نوازی استفاده نکرده‌اند و نیازی هم نبوده است. موسیقی ما «پارتیتور» و آهنگساز به مفهوم رایج غرب ندارد و تمام بحث‌های نظری در مورد قالب‌ها و ساختارها بوده است. در واقع بر اساس قالب‌ها، نوازنده مهارت‌های اجرایی و ذهنی‌اش را در هر شرایطی به منصه ظهور می‌گذارد. این ذات موسیقی دستگاهی است. مثلا راوی شانکار ممکن است بگوید من راگای «باهاراوی» را می‌زنم به‌خاطر اینکه الان صبح است و حالم مناسب این است اما هیچ‌وقت آهنگ فرد دیگری را نمی‌زند. «راگا» دستورالعمل موسیقی کلاسیک هند است و تالاها و ریتم‌ها همه مجموعه‌ای است که اگر کسی بخواهد وارد موسیقی شود باید یک عمر صرف کند تا این قواعد را بیاموزد تا از آنها برای بروز استعدادش استفاده کند، نه اینکه دایم همان‌ها را مشق کند. در موسیقی ایرانی هم به همین شکل است، زمانی مقام‌ها و ادوار بودند و بعد موسیقی دستگاهی هم همین کار کرد را داشته است، این سیستم موسیقی ماست و نامش را هم بداهه نمی‌گذاشتند، ولی خب از زمان قاجار که تدریس ردیف به یک فعالیت آموزشی برای امرارمعاش تبدیل شد که تا به‌حال هم ادامه دارد، این برداشت به وجود آمد که موسیقی دستگاهی همین است و باید به همین شکل باقی بماند و مو به مو عین چیزی که آموزش داده شده نواخته شود و صرفا مشق پس بدهند و باید همان به نسل بعد منتقل شود.

چرا با این تفاصیل در بروشور کنسرت اعلام کردید بداهه‌نوازی؟

اصراری به این مساله ندارم ولی این کار رفتن به جهتی بود که برای مخاطب قابل فهم باشد و شنونده‌ها فکر نکنند مثلا قرار است پیش‌درآمد درویش‌خان یا حتی عین ردیف نواخته شود. شاید اگر کاملا به عهده خودم باشد ترجیح می‌دهم به‌جای بداهه‌نوازی در پوستر نوشته شود: کنسرت موسیقی کلاسیک ایرانی.

البته امروز هم آثار و کنسرت‌های نوازندگان بنام موسیقی دستگاهی که می‌شناسیم به‌ویژه در گونه‌های تک‌نوازی اکثرا همین بداهه‌نوازی است مثل استاد حسین علیزاده، استادمحمدرضا لطفی که متاسفانه در حال حاضر هم در بستر بیماری هستند و... .

استاد لطفی از چهره‌های مهم و تاثیرگذار موسیقی معاصر ما هستند و از یاران قدیم. در دوران هنرستان من با آقای علیزاده همکلاس بودم و آقای لطفی چندسالی از ما بزرگ‌تر بودند و برای تحصیل موسیقی به تهران آمده بودند. ما را عشق به موسیقی ایرانی دور هم جمع می‌کرد. از همان زمان با هم دوست بودیم و تمرین‌های زیادی با هم داشتیم و استادان مشترک. از صمیم قلب برایشان آرزوی سلامتی داریم و به یادشان هستیم و در این روزها مشتاقیم که ایشان را در کمال سلامتی، باز بر صحنه موسیقی ایرانی ببینیم.

امروزه موسیقی ما هرچه بیشتر به سمت فضای بازاری می‌رود و برای بازار هم باید شهرت داشت و این روزها برای شهرت باید از فرم اصلی موسیقی کلاسیک خارج شد. این روند سال‌هاست که ادامه دارد اما امروز من به این نتیجه رسیده‌ام که نمی‌توانم منتظر بمانم تا فضا به خودی خود کاملا مناسب شود و باید شروع کنم به اجرا و فعالیت

اگر بخواهیم به بحث بداهه‌نوازی و موسیقی کلاسیک ایران برگردیم و از آنجا که شما در یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش عالی ایران مشغول تدریس و مدیریت هستید، متاسفانه دیده می‌شود که در اجراهای امروزی برداشت‌ها از ردیف بیشتر روی دو دیدگاه اجرای عین ردیف‌های موجود یا بیشتر از آن یک نگاه سرسری برگرفته از صرف فضای مدها و بدون توجه به نقش درجات و الگوهای ملودیک، ریتمیک و حتی مضرابی معطوف شده. آیا فکر نمی‌کنید بخشی از این نگاه متاثر از چگونگی تدریس ردیف در دانشگاه‌ها و به تبع آن آموزشگاه‌هاباشد؟

نمی‌توانیم به‌طور کلی بگوییم، چون این مساله خیلی بستگی به استاد دارد و توانایی و دیدگاه استاد به شاگرد منتقل می‌شود. من به برنامه‌ریزی و سیلابس درس نقدهایی دارم که در کلاسم سعی می‌کنم آنها را تغییر بدهم. امیدوارم در آینده هم بتوانیم سیلابس درس‌های آموزش موسیقی ایرانی را تغییر دهیم که کار آسانی هم نیست و خیلی پیچیده است ولی در زمان مسوولیتم سعی کردم به این جهت برویم و کاملا مخالفم که الگوها به صورت مشقی درس داده شوند و هیچ خروجی خلاقانه‌ای نداشته باشد.

در این مورد آیا باز همان مشکل همیشگی محدودیت موسیقی در طی این سال‌ها و اثرات و آسیب‌هایی که به‌خاطر بهاندادن به ایجاد یک جایگاه جدی برای موسیقی کلاسیک ما وجود داشته هم دخیل بوده؟

صددرصد شرایط اجتماعی روی موسیقی تاثیر دارد. در تمام دنیا بازار چیزی را دیکته می‌کند که برای سلامت فرهنگ و جامعه بهترین نیست. در مورد مواد غذایی سازمان‌های بهداشتی هستند که به مردم توصیه می‌کنند بیشتر از حد شیرینی و چربی مصرف نکنند. به نظرم در موسیقی هم باید یک سازمان بهداشت موسیقی به وجود بیاید.(خنده)

ولی همانطور که اشاره کردید همه جا موسیقی کلاسیک تحت حمایت دولت است...

بله، فکر نکنید در کشورهای دیگر همه از صبح تا شب موسیقی کلاسیک گوش می‌دهند ولی هر شهر یک ارکستر سمفونیک دارد و مقدار زیادی سوبسید و یارانه به موسیقی کلاسیک تعلق می‌گیرد تا این موسیقی در جریان باشد. البته نمی‌خواهم این حرف‌ها به‌عنوان ضدیت با موسیقی پاپ و خواننده‌ها تلقی شود و اشاره‌ام بیشتر به شرایط موسیقی کلاسیک در ایران است.

شما از شاگردان شاخص استاد علی‌اکبر شهنازی هستید و تالیفی هم در مورد پیش‌درآمدها و رنگ‌های استاد شهنازی دارید. آیا در کنسرت پیش‌رو هم از شیوه و آثار ایشان استفاده می‌کنید؟

علی‌اکبر شهنازی از کودکی استاد تار من بودند، در فرم نوازندگی و درک از موسیقی برای من آنقدر تاثیرگذار بوده‌اند که می‌توانم بگویم بیش از هر استاد دیگری نوازندگی‌ام تحت تاثیر ایشان است. استاد اهمیت فراوانی دارد و برای همین هم همیشه می‌پرسند فلانی شاگرد کدام استاد است. برای من هم چون نوازندگی استاد شهنازی ارجحیت داشته و دارد، در جمله‌بندی و تکنیک نوازندگی یک مقدار بیشتر تحت تاثیر ایشان هستم تا دیگر استادانم ولی در این اجرا اینطور نیست که بخواهم مستقیما قطعات استاد شهنازی را بنوازم.

در موسیقی سایه روشن هم این تاثیر مشخص است؟

بله. در نوازندگی تارم سایه ایشان همیشه هست. سایه‌روشن یک ایده است و مثل مفهوم سایه روشن در نقاشی که فضاهای پررنگ و کم‌رنگ در کنار هم قرار می‌گیرند، در موسیقی هم ریتم‌ها و مقام‌های مختلف اینگونه‌اند؛ مثلا فرض کنید قطعه‌ای که به‌صورت سنگین نواخته می‌شود مثل شش ضربی سنگین فضاها و سکوت‌ها کشیده می‌شود و بعد یکباره در همان ریتم قسمت‌های آوازی نواخته می‌شود یا اگر در مُد «چهارگاه» جمله‌ای را می‌نوازیم ممکن است جمله بعدی در مُد «حصار» یا «مویه» یا «مخالف» باشد. اینها لزوما در خدمت روند سنتی دستگاه نیستند که به ترتیب نواخته شوند و می‌توانند به‌صورت سایه روشن فضاهای کنتراستی ایجاد کنند. ایده اصلی سایه روشن کنتراستی است که در آمیختن ضربی و آوازی با هم ایجاد می‌شود. ما در روال عادی و متداول اجرای یک دستگاه عادت داریم ابتدا پیش‌درآمد و بعد چهار مضراب بزنیم سپس درآمد و بعد یک قطعه ضربی بزنیم ولی در اینجا سیستم اجرای ما در خدمت یک فضای کنتراستی است و تحرک و رنگ‌آمیزی جذابی به موسیقی می‌دهد که شنونده را خسته نمی‌کند.

این به‌خاطر اشراف شما به موسیقی قدما در کنار موسیقی گل‌هاست...

درواقع از تمام این تکنیک‌ها و شیوه‌ها استفاده می‌کنم، یعنی از اولین تارنوازی‌های قاجار تا استادان رادیو. معتقدم موسیقی ما به شخص و سبک خاصی خلاصه نمی‌شود، هر کیفیتی را سعی کردم یاد بگیرم و تعصبی ندارم که مثلا صرفا شهنازی بنوازم. اگر فرهنگ شریف سونوریته خوبی در تار داشته آن را یاد گرفتم و به قول نقاش‌ها همه اینها در پالت من قرار می‌گیرد و آنها را در اختیار دارم تا موسیقی خودم را بسازم.

کنسرت شیراز را به استاد رضوی سروستانی تقدیم کردید. این به‌خاطر چه چیزی بود؟

غیر از اینکه به‌طور شخصی خیلی استاد رضوی را دوست داشتم و رابطه عاطفی خاصی بین ما بود، از زمان مرکز حفظ و اشاعه که ۱۸، ۱۹ساله بودم با ایشان آشنا بودم، با هم زندگی کردیم، در جشن هنر کنسرت دادیم، در بروکسل با موریس بژار کار کردیم و ماه‌ها آنجا بودیم، در اروپا و شیراز (حافظیه و تخت جمشید) برنامه اجرا کردیم و یک رابطه اینچنینی با هم داشتیم و بعد از مدتی که من از ایران دور بودم و ایشان هم به شیراز رفته بودند، وقتی برگشتم دیدم ایشان خیلی دوست دارند ردیف آوازیشان ضبط شود؛ چند سالی وقت گذاشتم و این کار را در دست گرفتم تا ضبط و ثبت شود و خودم نوازندگی تار آن را بر عهده گرفتم و به تولید ۱۳ حلقه سی‌دی انجامید ولی متاسفانه به مسایلی حاشیه‌ای برخورد کرد که حتی یادآوریش هم برایم جالب نیست و نهایتا این کار در زمان حیات ایشان منتشر نشد. بعد از درگذشت ایشان هم که منتشر شد، به شکل مناسبی منتشر نشد. حتی در بزرگداشتی که در شیراز برای ایشان برگزار کردند از من دعوت درستی نکردند و حتی در روایت‌ها، همکاری‌هایی که ما با هم داشتیم به درستی ثبت نشد. به همین خاطر برگشتن به شیراز و اجرای کنسرت یادآور همه این خاطرات بود. هم تجدید خاطره و هم ادای احترام و علاقه قلبی به استاد رضوی سروستانی.

اولین اجرای صحنه‌ای شما هم در شیراز بوده است...

البته برای اولین‌بار ۱۵ساله بودم که در تالار رودکی یا همان وحدت امروز، وقتی هنوز ساختمان آن به‌طور کامل به اتمام نرسیده بود با ارکستر آقای دهلوی کنسرت دادیم، ولی اولین اجرای مستقل و خارج از ارکستر من به‌عنوان یک نوازنده موسیقی در اولین برنامه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی در حافظیه بود که آقای برومند سه‌گاه طاهرزاده را کار کردند ، آقای رضوی می‌خواندند و آقایان کیانی سنتور، فرهنگ‌فر ضرب، حدادیان نی، گنجه‌ای کمانچه و ذوالفنون و من هم تار می‌زدیم.

کلیت کنسرت تهران و شیراز یک شکل است؟

الگوهایی در ذهنم دارم. ممکن است من نوا بزنم ولی ممکن است روند آن به ترتیب معمول نباشد. یا ممکن است با سه تار چهارگاه و ماهور بزنم ولی...

یعنی حتی دستگاه‌ها هم از قبل تعیین‌شده نیست؟

نه، البته وقتی با آقای خلج تمرین می‌کنیم یک مقدار الگوها و فضاها مشخص می‌شود و این رسیدن به آن چیزی است که فرنگی‌ها به آن می‌گویند: «موزیکالیته». آنها چون نُت دارند می‌گویند: «باید دید پشت نُت‌ها چیست!»

خبر سازان

جنتی:

از مجوزها دفاع می‌کنیم

● **شرق:** وزیر ارشاد می‌گوید از همه مجوزهایی که صادر می‌شود دفاع خواهد کرد. علی جنتی که صبح روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت در حاشیه نشست کارگروه توسعه فرهنگ قرآنی در جمع خبرنگاران حاضر شده بود؛ با اعلام این خبر افزود: «هر مجوز برای صادرشدن پروسه دقیقی را می‌گذراند و به‌همین دلیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تصمیم خود برای صدور آن مجوز عدول نخواهد کرد.» این سوال به‌دنبال تغییر رویه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر و عدم اجازه اکران برخی از فیلم‌ها از جنتی سوال شده بود. جنتی در پاسخ به سوالی درباره عقب‌نشینی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جشنواره فیلم فجر گفت: «به هر حال ما مسوولیت آن فیلم‌هایی که در گذشته ساخته شده را نداشتیم. ما فقط موظف بودیم جشنواره فجر را به خوبی و با حضور فیلم‌هایی که از نظر محتوایی و ساختار برجسته هستند برگزار کنیم. دیدید فیلم‌هایی که جایزه گرفتند، از نظر حرفه‌ای و فنی آثار برجسته‌ای بودند و فیلم‌های ارزشی بودند که مورد توجه قرار گرفتند.»

جنتی با تاکید دفاع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجوزهایی که صادر می‌کند؛ گفت: «از زمانی که دولت جدید تشکیل شده، سعی ما بر این بود که در صدور مجوزها کاملا دقت کنیم. یعنی فیلمنامه‌ها با کمال دقت خوانده شده و در شورای صدور پروانه ساخت بحث‌های مختلفی روی آن صورت می‌گیرد. همچنین وقتی مجوزی داده شد، در مراحل ساخت نیز دقت می‌کنیم که دقیقا آنچه جلو دوربین می‌رود، با مجوز ساخت منطبق باشد. در این شرایط و در مرحله اکران، طبیعی است که مجموعه وزارت ارشاد باید از فیلم ساخته‌شده دفاع کرده و به هیچ‌وجه از حق آن عدول نخواهیم کرد.»

موضوع پیشنهاد وزیر برای سپردن ممیزی به ناشران یکی دیگر از موضوعاتی بود که جنتی درباره آن گفت: «این چیزی که شما عنوان کردید بخشی از موضوعی بود که ما مطرح کردیم و بعضی از رسانه‌ها همین یک بخش را گرفته بودند و روی آن تاکید کرده بودند. طبق قانون ممیزی بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و ما بر اساس قانون موظف هستیم کلیه کتاب‌هایی را که می‌خواهند منتشر شوند، بررسی کنیم و به آنها مجوز لازم را بدهیم، اما پیشنهادی به هیات نظارت داده شده که آنها باید درباره آن تصمیم بگیرند. در این پیشنهاد ما گفته‌ایم که می‌توانیم به برخی از ناشرانی که در طول ۳۰، ۴۰ سال گذشته کتاب‌های زیاد و عموما مفیدی منتشر کرده‌اند و ما هیچ‌گاه ندیده‌ایم که از مسیر قانونی منحرف شوند یا تخلفی داشته باشند، اجازه بدهیم به جای اینکه هر روز به ارشاد مراجعه کنند، خودشان با استفاده از شورای بررسی که دارند کتاب‌هایشان را منتشر کنند.» از آنجایی که نمایشگاه کتاب به‌عنوان مهم‌ترین رویداد فرهنگی تا کمتر از یک هفته دیگر در تهران آغاز می‌شود وزیر به سوالاتی درباره آن هم توضیح داد. یکی از این سوالات حضور دو ناشر توقیف‌شده یعنی حیان و طرح نو در نمایشگاه بود که جنتی گفت: «اگر انتشاراتی باشد که از طرف مقام قضایی جلو نشر آن گرفته شده باشد، قطعا نمی‌تواند در نمایشگاه کتاب شرکت کند.» البته یکی از خبرگزاری‌ها بعد از این خبری مبنی بر دستور صریح وزیر برای شرکت این دو ناشر کار کرده بود که بابک دربیکی مشاور رسانه‌ای نمایشگاه در گفت‌وگو با ایسنا این موضوع را تکذیب کرد. وزیر ارشاد در این جمع اعلام کرد از انتشار کتاب «مرد تنهای شب» حبیب محبیان و ماهیت آن هیچ اطلاعی ندارد. جنتی درباره سرنوشت ممنوع‌القلم‌ها گفت: «باید منتظر باشید و ببینید که در نمایشگاه کتاب چه اتفاقی رخ داده است.»

جعبه جادویی

آذرنگ و حقیقت‌دوست در «جاده قدیم»

● **شرق:** سریال «جاده قدیم» به تهیه‌کنندگی علی تقی‌پور و نویسندگی امید سهرابی و امیررضا طلاچیان به کارگردانی بهرام بهرامیان کلید خورد. این سریال که محصول سیما فیلم است و با مشارکت شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی تولید می‌شود روز سی‌ام فروردین ۹۳ با حضور عباس گنجوی و عبدالله اسکندری در خیابان جمال‌آباد تهران کلید خورد. این سریال روایتگر روزهای آغاز زندگی مشترک نعمت و زینت است که پس از عروسی‌شان همراه با یک گاو که جهیزیه زینت و تنها دارایی آنهاست به تهران می‌آیند. با گم‌شدن این گاو در بدو ورودشان به شهر دردسرها آغاز می‌شود و... .حمیدرضا آذرنگ، شهرام حقیقت‌دوست، یکتا ناصر و حبیب دهقان‌نسب از بازیگران اصلی سریال هستند.

سرخط

ایسنا: مریل استریپ، بازیگر آمریکایی شب‌گذشته در مراسمی در نیویورک جایزه هنری «مونت کریستو» را دریافت کرد.

مهر: به گفته پیام صالحی خواننده و عضو اصلی گروه موسیقی «آریان»، فعالیت‌های این گروه به دلیل عدم توافق با تهیه‌کننده همیشگی آثارشان فعلا در حالت تعلیق قرار دارد.

شرق: سومین دوسالانه خوشنویسی ایران سال‌جاری در قزوین برگزار می‌شود.